

زیارت از دیدگاه ائمه

نویسنده: دکتر عبد الهادی حسینی

مترجم: زین العابدین ابراهیمی

en_haghighat@yahoo.com

زیارت از دیدگاه ائمه

زیارت از دیدگاه ائمه)

فهرست مطالب

م	عنوان	صفحه

زیارت از دیدگاه ائمه

)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخن مترجم

همچنانکه خواننده ی عزیز مستحضر است هدف از آفرینش این جهان پهناور اعم از آسمان، زمین، ستاره، خورشید، مهتاب، کهکشانها، ابر، باد، آب، خاک، گیاه، درخت، میوه، انسان، فرشته، جن، شیاطین، بهشت و دوزخ همه این است که پروردگار بزرگ کائنات به یکتایی مورد ستایش و پرستش قرار گیرد.

ذات متعال او با اینکه از هر گونه مدح و ثنایی بی نیاز است همه را برای آزمایش در خدمت انسان قرار داده و انسان را مکلف به پرستش کرده است، بنابراین آنچه در این جهان از ما خواسته شده فقط پرستش ذات الله متعال نیست بلکه یکتا پرستی آن یگانه معبود کائنات است، لذا همه ی پیامبران خصوصاً سرور جهان هستی، رسول گرامی ، همواره تلاش کرده اند مردم را از توجه به غیر الله باز دارند و بسوی خدا متوجه کنند، بنابراین عجیب نیست که خداوند خطاب به

شخص رسول الله بفرماید: ﴿لَيْنَ أَشْرَكَتَ لِيَخْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَسِرِينَ﴾^(۱).

«ای پیامبر اگر تو هم شرک بیاوری قطعاً عمل تو بر باد خواهد رفت و در آخرت از زیانکاران خواهی بود».

لذا رسول الله هم همواره سعی داشته اند از تمام مظاهر شرک جلوگیری بعمل آورند، و یکی از بزرگترین مظاهر شرک افراط در اظهار محبت نسبت به قبور پیامبران و اولیاء، صالحان است، البته هر قبری ممکن است مورد محبت و توجه افراد ناآگاه قرار گیرد، اما علت این است که چون احساس محبت و ارادت نسبت به اینها بیشتر است، لذا احتمال خطرهم درباره آنان قوی تر می باشد. چون انگیزه منع ساخت گنبد و بارگاه و ضریح، جلوگیری از خرافات و خدای نکرده شرک است، لذا چنین احتمالی به دلیل تقدس مقام و منزلت ایشان و محبت فوق العاده ای که مردم نسبت به اینها دارند، خیلی بیشتر است.

اصولاً قبر افراد عادی خیلی مورد توجه مردم قرار نمی گیرد به اندازه ای که قبر يك پیامبر و امام و امامزاده مورد توجه قرار

میگیرد، بنابراین امروز در هر جایی که قبر یا مزاری محل رفت و آمد مردم و ارادتمندان متأسفانه جاهل قرار میگیرد یا منسوب به پیامبری است یا به امام و امامزاده ای و یا به شخص صالح و نیکوکاری. قابل تذکر است که زیارت قبور، سنت رسول گرامی است، ایشان فرمودند: «كنت نهيتكم عن زيارة القبور ألا فزوروها فإنها تذكركم الآخرة»^(۱).

«من شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم اکنون می گویم قبرها را زیارت کنید زیرا که انسان را به یاد آخرت می اندازد». پس زیارت قبرها یک سنت نبوی است لازم است که هر انسان بویژه مؤمنان گاهی به قبرستان سر بزنند و زندگی پس از مرگشان را به یاد بیاورند کنند تا اینکه از خدا و آخرت غافل نمانند. اما زیارت قبور آدابی دارد که در سنت صحیح ثبت شده است، اول اینکه دعای زیارت قبور را بخواند، «السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین، ولنا إن شاء الله بکم لاحقون أسأل الله لنا ولكم العافیة»^(۲).

()

()

«سلام بر شما باد ای مؤمنان آرمیده، شما از ما سبقت گرفتید ما هم إنشاء الله بزودی به شما ملحق خواهیم شد».

از دیگر آداب زیارت قبور این است که روی قبر ننشیند، قبر را لگدمال نکند، در قبرستان نماز نخواند، از خداوند غافل نشود، از مردگان کمک و نیاز نخواهد و غیره.

با بررسی تاریخ شرك در قرآن می بینیم که در زمان نوح خداوند جهان را با طوفان از هرگونه کفر و شرك و خرافات پاک کرد، اما ظهور مجدد شرك بوسیله ارادتمندان جاهل به شخصیت‌های صالح و محبوب و محترم صورت گرفت و شیطان از نام پاک آنان سوء استفاده کرد و توجه مردم را به سوی آنان جلب نمود و در ابتدا فقط محبت و ارادت مطرح بود و نه چیزی بیش از این، کم کم چنین وانمود کرد که برای اینکه این افراد صالح فراموش نشوند بهتر است برایشان مجسمه‌هایی بسازیم تا با دیدن این مجسمه‌ها به یاد آنان بیفتیم، همین جهل مفرط بود که کم کم راه را برای پرستش و کمک خواستن و شفیع و وسیله قرار دادن آنان، هموار کرد.

این یک واقعیت است که در طول تاریخ هرگاه شیطان خواسته به مقصود اصلی اش برسد، از نام مقدس بزرگان استفاده کرده است. عیسی و عزیر که تقصیری نداشتند، یا عیسی پرستان و عزیر پرستان که دشمن آنها نبودند، بهانه آن ها دوستی و محبت بود. اما افراط و تفریط همواره انسان را هلاک می کند، دوستی بیش از حد، انسانهای مؤمن و بسیار مخلص و ارادتمند را به ورطه هلاکت می کشد و در هر عصر و زمانی که شما ملاحظه کنید می بینید بزرگترین سبب گمراهی مردم، شخصیت های مورد احترام آنان بوده اند.

نه از راه دشمنی بلکه به بهانه دوستی و محبت، مگر همین بتهایی که مشرکین مکه داشتند چه بود؟ همه آنان عبارت از مجسمه های افراد صالح و نیکو کاری بودند که تمام جامعه نسبت به آنان محبت و ارادت داشتند، لذا مشرکین نمی گفتند: ما اینها را می پرستیم بلکه آنها را وسیله نزدیکی به خدا می دانستند، همین منطقی که متأسفانه امروز ما داریم. نعوذ بالله خدای قادر و توانا را به انسان عاجز و ناتوانی تشبیه می کنیم که هیچ قدرتی ندارد می گوئیم همچنانکه شخصی برای رسیدن به يك رئیس

جمهور از افراد نزدیک به او کمک می گیرد، ما هم که گنهکار و روسیاه هستیم و پیش خدا آبرو و اعتباری نداریم برای رسیدن به خدا باید از دوستانش کمک بخواهیم ؛ چون اینها افراد محبوب در نزد خدا هستند و می توانند مشکل ما را به خدا بگویند! چه منطق جاهلانه ای! مگر خدا نعوذ بالله مثل رئیس جمهور یا هر مخلوق دیگری عاجز است؟! خداوند عالم الغیب است هر پنهان و آشکار را می داند، و از رگ گردن به ما نزدیک تر است. خداوند میفرماید: ﴿ وَخُنُّ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴾^(۱).

« و ما از رگ گردن به او (انسان) نزدیکتریم.»

﴿ أَدْعُونِي أَجْتَجِبْ لَكُمْ ﴾^(۲).

«مرا بخوانید تا خواسته ی شما را اجابت کنم.»

ما در هر رکعت نماز با خدا عهد می بندیم که:

﴿ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴾^(۳).

«خدایا تنها ترا می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم.»

()

()

()

ما چگونه خدا را به یکتایی می پرستیم و غیر او را پرستش نمی کنیم، ما چگونه فقط از او کمک می‌خواهیم و از غیر او کمک نمی‌طلبیم، که نمی‌توانیم مشکلات خود را خودمان با او در میان بگذاریم، عجب جهلی دامن ما را گرفته است! چه وقت می‌خواهیم بیدار شویم؟ چه وقت می‌خواهیم بفهمیم؟ چه وقت می‌خواهیم از این ذلت و خواری نجات بیابیم؟ تا چه وقت می‌خواهیم همچنان مانع نزول رحمت و نصرت خدا باشیم؟! خداوند که با ما شوخی ندارد، دین خدا که شوخی پذیر نیست، بهشت و دوزخ که افسانه نیست، مرگ و حساب و کتاب که توهم و خیال نیست.

اگر ما به همه ی این‌ها ایمان داریم، قرآن را کتاب آسمانی و دستور زندگی می‌دانیم، و خداوند را یگانه معبود و کارساز و مشکل‌گشا می‌دانیم پس چرا خود را از چنگ این خرافات نمی‌رهانیم؟ چرا آنگونه که رسول الله و صحابه‌اخیار و اهل بیت اطهارش خدا را می‌پرستیدند، خدا را نمی‌پرستیم؟ دین یکی است، کتاب یکی است، آیات و نصوص و دلائل یکی است، پس چرا حاضر نمی‌شویم دست از این خرافات برداریم

و مانند صحابه و اهل بیت به ریسمان خدا چنگ بزنیم و دین را همچنان که آنان فهمیده اند بفهمیم! پس بیاییم اسلام را از این بدنامی نجات بخشیم و لکه های ننگی را که بر دامن پاك آن مالیده ایم شستشو دهیم تا دشمنان بهانه پیدا نکنند و اسلام را به باد تمسخر نگیرند. شما تصور کنید يك دانشمند غربی بیاید و فلان ضریح و بارگاه و مزار فلان امام و امامزاده را ببیند، یا صحنه های تکان دهنده ی عزاداری را مشاهده کند چه حالتی به او دست خواهد داد، فرض کنید کنار یکی از ما نشسته باشد و راز و نیاز ما را با فلان امام و امامزاده گوش کند چه تصویری خواهد داشت، فرض کنید خواسته های ما را از فلان امام و بزرگ بشنود چه برداشتی از اسلام خواهد داشت؟ پس بیاییم و اسلام را آنچنانکه هست بشناسیم و خرافات را از دامن پاك آن بزدائیم. إن شاء الله. پیروز باشید.

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام علی محمد وآله الطیبین
الطاهرین و أصحابه المنتجبین وبعد:

خدمت همه دوستان و پیروان صادق اهل بیت
سلام فراوان تقدیم می داریم.

همچنانکه می دانید از امامان اهل بیت روایات زیادی
نقل شده که بعضی صحیح و بعضی هم به دروغ از زبان آنان بافته
شده است.

یکی از مهمترین مسائلی که ارتباط مستقیم با علمکرد هر
مسلمان و عقیده او دارد و هر صبح و شام به آن محتاج است دعا
می باشد، یعنی خداوند سبحان را در هر مشکل و نیازی
خواندن، و به مردگان نیکویی کردن، (یعنی به زیارت آنان رفتن
و برایشان دعا نمودن و از طرف آنان صدقه دادن و غیره)، لذا
بر آن شدم که مطالبی را از ائمه در این زمینه از کتب معتمد
و معتبر حدیث جمع آوری کنم، روایاتی که با قرآن کریم و
سیرت پاک ائمه هماهنگی داشته باشد و مخالف آن ها نباشد،
سعی کردم خیلی مختصر و کوتاه باشد تا باعث ملال خاطر و
خستگی عزیزان نگردد، اگر واقعیت زیارت قبور را بررسی

کنیم می بینیم که متأسفانه از دو حال خالی نیست، یا افراط و یا تفریط، عده ای اصلاً رغبتی به زیارت قبور که سنت پیامبر است و انسان را به یاد سختی و تاریکی قبر و هول آخرت می اندازد ندارند و عده ای دیگر به قدری غلو و افراط می کنند که چه بسا منجر به - نعوذ بالله - شرك و گناه کبیره می گردد. پس اینک مجموعه ای را از روایات اهل بیت که دلالت صریح بر نهی از ساختن قبور، و جشن گرفتن بر گرد آنان دارد خدمت شما تقدیم می داریم به امید آنکه مورد قبول خداوند متعال و مورد پسند شما سروران عزیز قرار گیرد. و باشد که این مواعظ دلهای پژمرده ما را شاداب گردانیده و همه را بسوی خیر و سعادت و رستگاری هدایت کند. آمین.

نهی از مسجد قرار دادن قبر
عموماً از روایاتی که در این زمینه آمده، سه موضوع استنباط می شود، و این سه محور همواره مورد نهی ائمه بوده است.
اول: نماز خواندن بر قبر، یعنی سجده بر آن.
دوم: اینکه قبر را قبله قرار داده و به سوی آن سجده و دعا کنند.

سوم : ساختن مسجد بر روی قبر و نماز خواندن در آن.
حدیث اول: از امام جعفر صادق روایت است که:
 «لا تتخذوا قبوري قبلة ولا مسجداً، فإن الله لعن اليهود حيث
 اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد»^(۱).

«قبر مرا قبله و مسجد قرار ندهید زیرا خداوند یهود را به علت
 اینکه آنان قبرهای پیامبرانشان را مسجد قرار دادند لعنت کرد».

حدیث دوم: از زراره روایت است که خدمت امام محمد باقر
 عرض کردم راجع به نماز خواندن در جاهای خالی در
 قبرستان چه میفرمایید؟ فرمود: در جاهای خالی نماز بخوان
 بشرطی که قبری را قبله قرار ندهی، یعنی جلو نمازت قبری
 نباشد، زیرا رسول خدا از این کار نهی کرده و فرموده اند:
 «لا تتخذوا قبوري قبلة ولا مسجداً، فإن الله تعالى لعن الذين
 اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد»^(۲).

«قبر مرا قبله و مسجد قرار ندهید که خداوند متعال کسانی
 که قبرهای پیامبرانشان را مسجد قرار داده اند لعنت کرده
 است».

() / .
 () .

حدیث سوم: از سماعة ابن مهران روایت است که گفت: درباره زیارت قبور و ساختن مسجد بر آن از امام جعفر صادق پرسیدم ایشان فرمود: زیارت قبور اشکالی ندارد، اما در کنار قبر مسجد ساخته نشود^(۱).

حدیث چهارم: از امام جعفر صادق روایت است که فرمود: «در ده جا نماز خواندن جایز نیست: گل، آب، حمام، قبرستان، راه، خانه، مورچه، اصطبل شتر، مجرای سیل، شوره زار، برف»^(۲).

صدوق بعد از ذکر این روایت، می نویسد: هرگز جایز نیست که قبر قبله یا مسجد قرار داده شود. نماز در صورتی در جاهای خالی قبرستان جایز است که قبر در طرف قبله قرار نگیرد مستحب این است که بین نمازگزار و قبر از هر طرف ده گز (پنج متر) فاصله باشد.

حدیث پنجم: از عمار ساباطی روایت است که از امام صادق پرسیدم درباره ی کسی که در قبرستان نماز می خواند چه می فرمایید؟ فرمود: «لا یجوز ذلك إلا أن يجعل بينه

() / . / () / . / ()

وبین القبور إذا صلى عشرة أذرع من بين يديه، وعشرة أذرع من خلفه، وعشرة أذرع عن يمينه، وعشرة أذرع عن يساره، ثم يصلي إن شاء»^(۱).

«جایز نیست مگر اینکه هنگام نماز خواندن از هر طرف ده گز (پنج متر) بین او و قبر فاصله وجود داشته باشد، ده گز جلو، ده گز عقب، ده گز سمت راست و ده گز سمت چپ، آنگاه اگر خواست می تواند نماز بخواند».

ممکن است پرسشی مطرح شود که این روایت با روایت دیگری که از امام رضا نقل شده تناقض دارد که فرمود: «لا بأس بالصلاة إلى القبر ما لم يتخذ القبر قبلة»^(۲). «اگر قبر را قبله قرار ندهد اشکالی ندارد که در قبرستان نماز بخواند».

طوسی چنین پاسخ می دهد: وجه جمع بین دو روایت این است که حکم جواز در صورتی است که بین او و قبرستان مانعی وجود داشته باشد، مثلاً دیواری قرار داشته باشد و اما اگر دیوار یا مانع دیگری نباشد باید از هر طرف ده گز فاصله داشته باشد^(۳).

() /
() /
() /

نهی از ساختن بناء بر روی قبر و
ترغیب به خراب کردن آن

۱- امام صادق می فرماید: «كلما جعل على القبر من
غير تراب القبر فهو ثقل على الميت».

یعنی: «هر چیزی که غیر از خاک خود قبر بر روی قبر
گذاشته و یا ریخته شود بر مرده سنگینی می کند»^(۱).

۲- از امام صادق روایت است که رسول الله
فرموده اند: «نهی أنه يُزاد على القبر تراب لم يخرج منه»^(۲).
«نهی فرمودند جز خاکی که از خود قبر بیرون آورده شده
خاک دیگری بر آن ریخته شود».

۳- امیرالمؤمنین فرمودند: «من جدد قبراً، أو مثل مثلاً
فقد خرج من الإسلام»^(۳).

«کسی که قبری را باز سازی کند یا تمثالی بسازد یقیناً و بدون
شک از اسلام خارج شده است».

۴ - از امام صادق روایت است که امیرالمؤمنین

()

()

()

فرمود: «بعثنی رسول الله إلى المدينة فقال: لا تدع صورة إلا محوتها، ولا قبراً إلا سويته، ولا كلباً إلا قتلته»^(۱).

«رسول خدا مرا به مدینه فرستاد و فرمود: هر عکسی را دیدی نابود کن، و هر قبری را دیدی هموارش کن، و هر سگی را دیدی بکش».

۵ - از امام صادق روایت است که گفت: امیرالمؤمنین فرمود: «بعثني رسول الله في هدم القبور وكسر الصور»^(۲).

«رسول الله مرا فرستادند تا اینکه قبرها را هموار کنم و بتها را بشکنم».

۶ - از علی بن جعفر روایت است که از امام موسی کاظم پرسیدم: آیا ساختن قبر و نشستن بر آن جایز است؟ فرمود: «لا يصلح البناء عليه ولا الجلوس ولا تجصيصه ولا تطيينه»^(۳).
«ساختن قبر و نشستن بر آن و گچ کردن و گل کردن آن جایز نیست».

() / /
() / /
() / /

۷ - از امام صادق روایت است که گفت: «نهی رسول الله أن یصلی علی قبر أو یقعد علیه أو یبني علیه أو یتکأ علیه»^(۱).

«رسول الله از نماز خواندن بر روی قبر، و نشستن بر آن، و ساختن بنا بر روی آن، و تکیه زدن به آن را منع فرمودند».

۸ - از امام صادق روایت است که می فرمود: «لما قبض أمير المؤمنين ؛ أخرجه الحسن والحسين ورجلان آخران حتي إذا خرجوا من الكوفة تركوها عن أيمانهم ثم أخذوا الجُبَابَةَ حتى مروا به إلي الغريّ فدفنوه وسووا قبره فانصرفوا»^(۲).

«هنگامی که امیرالمؤمنین فوت نمود حسن و حسین و دو نفر دیگر ایشان را حمل کردند تا اینکه از کوفه بیرون رفتند.... و آنگاه ایشان را دفن کردند و قبرش را با زمین هموار نمودند و رفتند».

شیخ طائفه ابوجعفر طوسی می نویسد: دفن کردن مرده در

() / /
() /

هیچ مسجدی جایز نیست. همچنین می نویسد: گچ کردن قبر، و در سایه قرار دادن قبر، و قیام کردن در کنار قبر، و بازسازی آن بعد از خراب شدنش، مکروه است. البته اگر در هنگام دفن، خاک قبر مرتب شود اشکالی ندارد^(۱).

و عمادالدین بن علی طوسی می نویسد: نوزده چیز مکروه است از جمله: گچ کردن قبر، و سایه قرار دادن قبر، و مجاورت قبر، و بازسازی آن بعد از خراب شدنش^(۲).

۹ - از امام صادق روایت است که رسول الله از اینکه بر قبر ایشان نماز خوانده شود، یا نشسته شود، یا باز سازی شود، منع فرموده اند^(۳).

بلند ساختن قبر

از خلال روایات وارده در کتب تشیع آنچه بر می آید این است که قبر فقط از چهار انگشت تا يك وجب بلند می شود، که از چهار انگشت کمتر، و از يك وجب بیشتر جایز نیست.

()

()

/ ()

روشن است که اگر بلند ساختن قبر طوری که در بعضی جوامع رایج است درست بود، نیازی نبود که امامان از بلند کردن آن منع کنند، یا برای آن مقداری مشخص کنند، ما در اینجا چند روایت بر می‌گزینیم:

روایت اول: از امام باقر روایت است که گفت: رسول گرامی به امیر المؤمنین فرمودند: «یا علی، ادفنی فی هذا المكان وارفع قبري من الأرض أربع أصابع، ورشّ عليه الماء»^(۱).

«ای علی مرا در اینجا دفن کن، و قبرم را چهار انگشت از زمین بلند کن، آنگاه بر آن آب بپاش».

روایت دوم: از امام جعفر صادق روایت است که ایشان از پدرش امام باقر نقل میکنند: «أَنْ قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ رَفَعَ شِبْرًا مِنَ الْأَرْضِ، وَأَنَّ النَّبِيَّ أَمَرَ بِرَشِّ الْقُبُورِ»^(۲).

«قبر رسول الله يك وجب از زمین بلند شد، و پیامبر دستور دادند که پس از دفن مرده بر قبر آب پاشیده شود».

روایت سوم: از امام صادق و ایشان از پدرش و پدرش از

() /
() /

امیر المؤمنین علی روایت می کند که قبر پیامبر يك وجب و چهار انگشت از زمین بلند شد و بر آن آب پاشیده شد، و فرمود: «والسنة أن يرش على القبر الماء»^(۱).

«سنت این است که بر قبر آب پاشیده شود».

روایت چهارم: از امام صادق روایت است که فرمود: «إن أبي قال لي ذات يوم في مرضه: إذا أنا مت فغسلني وكفني وارفع قبري أربع أصابع ورشه بالماء»^(۲).

«هنگامی که پدرم مریض بود روزی به من فرمود: هرگاه مردم مرا بشوید و کفن کنید قبرم را چهار انگشت از زمین بلند کن و آنگاه بر آن آب بپاش».

روایت پنجم: امام صادق فرمود: «إن أبي أمرني أن أرفع القبر عن الأرض أربع أصابع مفرجات، وذكر أن رش القبر بالماء حسن»^(۳).

«پدرم به من دستور داده است که قبرش را چهار انگشت جدا از یکدیگر از زمین بلند کنم، و فرمود که آب پاشیدن بر قبر

() / . /
() / /
() / /

خوب است».

روایت ششم: همچنین از امام صادق روایت است که فرمود: «إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي أَنْ أَرْفَعَ الْقَبْرَ عَنِ الْأَرْضِ أَرْبَعَ أَصَابِعَ مَفْرَجَاتٍ، وَذَكَرْتُ أَنَّ رِشَّ الْقَبْرِ بِالْمَاءِ حَسَنٌ، قَالَ: تَوْضِئُ إِذَا أَدَخَلْتَ الْمَيْتَ الْقَبْرَ»^(۱).

«پدرم به من دستور داد که ارتفاع قبر ایشان را از زمین چهار انگشت باز قرار دهم و فرمودند: که پاشیدن آب بر قبر خوب است و فرمود: پس از اینکه جنازه را داخل قبر گذاشتی وضو بگیر».

روایت هفتم: از محمد بن مسلم روایت است که گفت: از یکی از دو امام (باقر یا صادق) در باره میت پرسیدم فرمود: «تَسْلِمُ مَنْ قَبْلَ الرَّجُلَيْنِ وَتَلْزُقُ الْقَبْرَ بِالْأَرْضِ إِلَّا قَدْرَ أَرْبَعِ أَصَابِعَ مَفْرَجَاتٍ: تَرْبِعُ وَتَرْفَعُ قَبْرَهُ»^(۲).

«از طرف پاها بگیر و آنرا داخل قبر بگذار، و جز مقدار چهار انگشت باز، قبر را با زمین هموار کن».

روایت هشتم: از طریق محمد بن مسلم از امام باقر روایت است که گفت: «يَدْعِي لِلْمَيْتِ حِينَ يَدْخُلُ حَفْرَتَهُ

()

()

ويرفع القبر فوق الأرض أربع أصابع»^(۱).

«برای میت دعا شود و قبر به اندازه ی چهار انگشت از زمین بلند شود».

روایت نهم: از امام صادق روایت است که فرمود: «يستحب أن يدخل معه في قبره جريدة رطبة، ويرفع قبره من الأرض قدر أربع أصابع مضمومة، وينضح عليه الماء ويخلى عنه»^(۲).

«مستحب است که با او شاخه تری در قبر گذاشته شود و قبرش به اندازه چهار انگشت بسته، از زمین بلند شود، آنگاه بر او آب پاشیده شود، سپس به حال خودش رها شود».

محمد آخوندی شارح کافی در شرح جمله «يخلى عنه» مینویسد: «أي لا يعمل عليه شيء آخر من جص وأجر وبناء ولا يتوقف عنده بل ينصرف عنه»^(۳).

«هیچ چیز دیگری بر او گذاشته و ساخته نشود، نه گچ، نه آجر، و نه دیوار، و کنار قبر نایستند بلکه بلافاصله برگردند».

() /
() /
()

سپس اضافه می‌کند روایات دیگری وجود دارد که هر کدام از این امور را تأیید می‌کند.

روایت دهم: در روایت طولانی که در آن وفات موسی بن جعفر ذکر شده آمده است: «فإذا حملت إلى المقبرة المعروفة بمقابر قریش فألحدوني بها ولا ترفعوا قبري فوق أربع أصابع مفرجات»^(۱).

«هنگامی که جنازه ی مرا بر دوش گرفتید و به قبرستان معروف قریش بردید در قبری دفن کنید که لحد داشته باشد و قبرم را چهار انگشت باز، بیشتر از زمین بلند نکنید».

روایت یازدهم: محمد بن جمال الدین عاملی معروف به شهید اول می‌نویسد: «ورفع القبر عن وجه الأرض بمقدار أربع أصابع مفرجات إلى شبر لا أزيد ليعرف فيزار فيحترم»^(۲).

«قبر فقط باید به اندازه چهار انگشت باز تا يك وجب بلند شود از ترس اینکه مبادا شناخته شود و مورد رفت و آمد و احترام (خلاف شرع) قرار گیرد».

روایت دوازدهم: شیخ طائفه أبو جعفر طوسي می‌نویسد:

() / . / ()
() / . / ()

«فإذا أراد الخروج من القبر فليخرج من قبل رجله ثم يطم القبر ويرفع من الأرض مقدار أربع أصابع ولا يطرح فيه من غير ترابه»^(۱).

«کسی که جنازه را در قبر می گذارد هنگامی که می خواهد از قبر بیرون بیاید از طرف پا بیرون بیاید، سپس قبر پر شود و به اندازه ی چهار انگشت از زمین بلند شود، و غیر از خاک خود قبر چیز دیگری بر آن ریخته یا گذاشته نشود».

کارهای حرامی که کنار قبرها انجام می گیرد:

متأسفانه محرمات زیادی در کنار قبرها انجام می گیرد که قرآن و سنت از آن باز داشته اند از جمله:

انتظار نفع و ضرر

اعتقاد داشتن به اینکه شخص مرده نفع و ضرر می رساند در حالیکه نفع رساننده و ضرر رساننده فقط ذات قادر متعال است. چنانکه می فرماید: ﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً لَا

تَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَوَةً وَلَا نُشُورًا ﴿١﴾.

«(مشرکان) سوای خدا، معبودهائی را برگرفته اند (و به پرستش اصنام و کواکب و اشخاصی پرداخته اند) که چیزی را نمی آفرینند و خودشان آفریده هائی بیش نیستند، و مالک سود و زیانی برای خود نبوده، و بر مرگ و زندگی و رستاخیز اختیار و توانی ندارند».

و همچنین می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا تَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ۖ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾ (٢).

«معبودهایی را که آنها غیر از خدا می خوانند نه تنها چیزی را خلق نمی کنند، بلکه خودشان مخلوقند. آنها مردگانی هستند که هرگز استعداد حیات ندارند، و این بتها اصلاً نمی دانند در چه زمانی مبعوث خواهند شد».

پس چرا باید عاقل چیزهائی را بپرستد که از فرا رسیدن قیامت بی خبرند و سود و زیانی نمی رسانند!

()

()

و می فرماید: ﴿ قُلْ أَدْعُوا الَّذِينَ رَعِمْتُمْ مِّنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلاً ۚ ﴾ (۱) أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ۝ (۱).

«ای پیغمبر! به مشرکان) بگو: معبوهایی را که غیر از خدا شایسته ی پرستش می پندارید (به هنگام بلا، به کمک) بخوانید، اما (خواهید دید که) نه توانایی دفع زیان و رفع بلا را از شما دارند، و نه می توانند آن را دگرگون سازند (و ناخوشیها را به خوشیها تبدیل کنند و یا اینکه از اندوه دردها بکاهند). آن کسانی را که به فریاد می خوانند آنان را که از همه مقربترند (به درگاه خداوند، همچون عیسی و عذیر و فرشتگان) برای تقرب به پروردگارشان به آن ها توسل می شوند (که طاعات و عبادات است) و به رحمت خدا امیدوار و از عذاب او هراسناکند».

وامیر المؤمنین در باره ی مردگان می فرماید: «فهم جيرة لا يجيبون داعياً ولا يمنعون ضيماً ولا يبالون مندبة» (۲).
«پس ایشان همسایگانی بی زبان اند، نه خواننده را پاسخ

()

()

میدهند، نه ستمی را باز می دارند، و نه به نوحه گری توجه میکنند).

همچنین امیر المؤمنین در وصف مردگان می فرماید:
 «لا في حسنة يزدون ولا من سيئة يستعتبون»^(۱).
 «نه بر کارهای نیک در چیزی افزایند، و نه عذری توانند
 خواست از کار زشت و ناخوشایند».

انتظار شفاعت و توسل

۲- صاحبان قبر را شفیع و واسطه قرار می دهند و گویا آنان او را به خداوند نزدیک می کنند، در حالیکه خداوند متعال در قرآن کریم به نقل از مشرکین این عمل زشت را مذمت نموده است:
 ﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾^(۲).

«هان! تنها طاعت و عبادت خالصانه برای خدا است

کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری را برمی گزینند و بدانان تقرب و توسل می جویند، می گویند: ما آنانرا پرستش نمی کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند نزدیک گردانند.

و در آیه دیگر می فرماید: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْصُرُهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَتُولا شَفَعَتُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^(۱).

«و به جای خداوند چیزی را می پرستند که به آنان زیانی نمی رساند و سودی به آنان نمی بخشد و می گویند: اینان در نزد خداوند شفیعان ما هستند».

و امیرالمؤمنین در وصیتش به امام حسن فرمود: «واعلم أن الذي بيده خزائن السموات والأرض قد أذن لك في الدعاء وتكفل لك الإجابة وأمرك أن تسأله ليعطيك، وتسترحمه ليرحمك، ولم يجعل بينك وبينه من يحجبه عنك، ولم يلجئك إلى من يشفع لك إليه»^(۲).

«و بدان! کسی که گنجینه های آسمان و زمین در دست

()

: ()

اوست تو را در دعا رخصت داده و پذیرفتن دعایت را بر عهده گرفته است، و به تو گفته است «که از من بخواه تا به تو بدهم، و از او بطلب تا تو را بیامرزد. و میان تو و خود کسی را نگمارده تا تو را از وی باز دارد، و از کسی ناگزیرت نکرده که نزد او برایت میانجی گری آرد»^(۱).

کمک خواستن از مرده

خواندن صاحبان قبر و کمک خواستن از آنان به نص قرآن کریم شرك است، چنانکه خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يَكْفُرُونَ بَشْرِكُكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ﴾^(۲).

«اگر آنها را (برای حل مشکلات و رفع گرفتاریهای خود) به فریاد بخوانید، صدای شما را نمی شنوند، و بفرض اگر هم بشنوند، توانائی پاسخگوئی به شما را ندارند، و (گذشته از این) در روز قیامت انبازگری و شرك ورزیدن شما را رد می کنند (و می گویند: شما ما را پرستش نکرده اید و بی خود می گوئید). و

()

()

هیچ کسی همچون (خداوند) آگاه (از احوال آخرت، به گونه قطع و یقین) تو را از چنین مطالبی با خبر نمی سازد».

و می فرماید: ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَفْلُونَ ﴿١﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٢﴾﴾.

«چه کسی گمراه‌تر است از آنها که موجوداتی غیر از خدا را پرستش می کنند که اگر تا قیامت هم آنان را بخوانند پاسخ شان نمی گویند؟ و از دعا و ندای آن ها غافلند! و هنگامی که مردم مشرک در قیامت محشور می شوند معبودهای آن ها خواهند بود، حتی عبادت آنها را انکار می کنند».

و می فرماید: ﴿وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿٢﴾﴾.

«مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید».

و امیر المؤمنین می فرماید: «فَسْأَلُوا اللَّهَ بِهِ وَتَوَجَّهُوا إِلَيْهِ بِحُبِّهِ، وَلَا تَسْأَلُوا بِهِ بِخَلْقِهِ، إِنَّهُ مَا تَوَجَّهَ إِلَى اللَّهِ بِمِثْلِهِ»^(۳).

()

()

()

«پس از خدا بخواهید به وسیلت قرآن، وبدان روی آرید به دوستی آن، و به قرآن خیری بخواهید از آفریدگان، که بندگان روی به خدا نکردند با وسیلتی مانند قرآن».

همچنین امیر المؤمنین در وصیتش به پسرش امام حسن می فرماید: «وَأَلْجِئْ نَفْسَكَ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا إِلَى إِيَّاهِكَ فَإِنَّكَ تُلْجِئُهَا إِلَى كَهْفٍ حَرِيْزٍ وَمَنْعٍ عَزِيزٍ. وَأَخْلِصْ فِي الْمَسْأَلَةِ لِرَبِّكَ فَإِنَّ يَدَهُ الْعَطَاءَ وَالْحِرْمَانَ»^(۱).

«در همه کارها نفس خود را به پناه پروردگارت متوجه کن، که به پناهگاهی استوار، و نگاهبانی پایدار روی آورده ای، و آنچه می خواهی تنها از پروردگارت بخواه، که به دست اوست بخشیدن و محروم نمودن».

و از امام باقر روایت است که فرمود: خداوند به این دلیل ابراهیم را خلیل خودش برگزید که او غیر از خدا به کسی روی نیاورده و غیر از ذات مقدس او از هیچ کسی چیزی نخواست^(۲).

ابراهیم بن محمد همدانی می گوید: خدمت ابی الحسن علی

()

()

بن موسی الرضا عرض کردم خداوند فرعون را چرا غرق کرد در حالیکه او ایان آورد و توحید را پذیرفت؟ فرمود: او هنگامی تظاهر به ایان کرد که دیگر از همه چیز ناامید شده بود و چنین ایانی پذیرفته نمی شود سپس فرمود: علت مهم دیگری هم دارد، و آن اینکه در آن شرایط دشوار که در آستانه غرق شدن قرار داشت به جای اینکه از خداوند کمک بخواهد از موسی کمک خواست و طبعاً موسی نمی توانست به او کمک کند؛ اینجا بود که خداوند به موسی وحی فرمود که ای موسی! تو به این دلیل به فرعون کمک نکردی! که او را تو نیافریده ای؛ لذا چنین توانایی نداشتی، اگر او از من کمک می خواست، حتماً به او کمک می کردم^(۱).

نذر کردن برای مرده

نذر کردن برای قبر و صاحبان قبر و ذبح کردن حیوان در کنار آن از اعمال ناشایست و محرماتی است که به تعبیر قرآن کریم «أهل لغیر الله» محسوب می شود، چنانکه خداوند متعال می فرماید:

﴿ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾^(۱).

«خداوند تنها گوشت مردار، خون، گوشت خوک، و گوشت هر حیوانی را که به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن گفته شود تحریم کرده است، ولی کسی که مجبور شود (برای نجات جان خویش از مرگ) از آنها بخورد گناهی بر او نیست، به شرط این که ستمگر و متجاوز نباشد، خدا غفور و رحیم است».

و می فرماید: ﴿ وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴾^(۲).

«(کفار مکه و سایر مشرکان سهمی از زراعت و چهارپایان خود را برای خدا، و سهمی نیز برای بت ها قرار می دادند، و می گفتند: این قسمت مال خداست و این هم مال شرکای ما، یعنی بتهاست. سهمی را که برای بت ها قرار داد بودند هرگز به

()

()

خدا نمی رسید، و اما سهمی را که برای خدا قرار داده بودند به بت ها می رسید، چه بد حکم می کنند.

از محمد بن سنان روایت است که امام رضا در پاسخ مسائلی که از ایشان پرسیده بود نوشت: «آنچه نام غیر خدا بر آن گفته شود حرام است، زیرا خداوند بر بندگان واجب گردانیده است که به یگانگی او اقرار و اعتراف کنند و هرگاه می خواهند حیوان حلال گوشتی را سر ببرند فقط نام او را در هنگام ذبح یاد کنند؛ تا اینکه بین آنچه برای خدا ذبح می شود و آنچه برای پرستش بتها و شیاطین تقدیم می گردد، فرقی وجود داشته باشد، زیرا یاد کردن نام الله عزوجل اقرار به توحید و ربوبیت پروردگار است و اما آنچه که برای غیر خدا تقدیم می گردد در حقیقت شرك است. و گویا عامل آن می خواهد بدینوسیله خودش را به آن مخلوق نزدیک کند. پس بردن نام الله در هنگام ذبح بدین جهت است تا بین آنچه که خداوند حلال و آنچه را که حرام کرده، فرق وجود داشته باشد»^(۱).

قسم خوردن به صاحب قبر
 امام صادق از امام باقر و ایشان هم از امیرالمؤمنین
 روایت کرده اند که رسول گرامی از غذا خوردن در هنگام
 تکیه دادن نمی فرمودند. چند مورد دیگر از ممنوعات شرعی
 را بر شمرند که عبارتند از: قسم خوردن به غیر الله منع کردند و
 فرمودند: کسی که به غیر الله قسم بخورد، در نزد خداوند هیچ
 ارزشی ندارد^(۱).

شیخ طائفه ابو جعفر طوسی مینویسد: قسم صحیح و معتبر
 در نزد آل محمد این است که انسان به ذات الله متعال یا به
 یکی از اسمای گرامی او قسم بخورد، و هر قسمی که به غیر نام
 الله متعال یا اسمای گرامی او باشد هیچ اعتباری ندارد. سپس
 فرمود: جایز نیست که کسی به قرآن، و به پدر و مادرش، و به
 کعبه، و به پیامبر، و به هیچ يك از ائمه قسم بخورد، اگر
 کسی به این چیزها قسم بخورد خطا کار است و قسمش از نظر
 فقهی اعتبار ندارد^(۲).

البته قول معتبر آن است که قسم به قرآن کریم جایز است

زیرا قرآن کلام خداوند است و کلام خداوند، از صفات گرامی اوست.

عماد الدین طوسی می نویسد: «ولا يجوز اليمين بغير الله»^(۱).

«قسم خوردن به غیر خدا جایز نیست».

طواف به دور قبر

از امام صادق روایت است که فرمود: ایستاده آب ننوش، و به هیچ قبری طواف نکن، و در آب پاك بول نکن، اگر کسی چنین کرد و ضرری به او رسید از خودش بداند، اگر کسی يك بار این اعمال ناشایست را انجام دهد دیگر عادت میکند، مگر اینکه خدا بخواهد که توبه کند و برگردد^(۲).

حر عاملی در کتابش، وسائل الشیعة، بابی آورده است با این عنوان: «باب استحباب الدعاء بالمأثور عند زيارة القبور وعدم الطواف بالقبر»^(۳).

()

()

()

«باب مستحب بودن دعای وارده در سنت پیامبر در هنگام زیارت قبر و عدم طواف بر قبر».
باب دیگری آورده با این عنوان «باب عدم جواز الطواف بالقبور»^(۱).

«بابی درباره ی جایز نبودن طواف بر قبرها»

سوگواری و به سر و صورت و سینه

زدن

از امام صادق روایت است که فرمود: رسول گرامی فرمودند: «ضرب المسلم یده علی فخذہ عند المصیبة إحباط لأجره»^(۲).

«اینکه مسلمان در هنگام مصیبت و اندوه دستش را بر رانش بکوبد پاداشش ضایع می شود».

از طریق جابر بن عبدالله روایت است که فرمود: خدمت امام باقر عرض کردم ما الجزع؟ «بی صبری چیست؟»

()

/

.

.

/

/

()

فرمودند: بدترین بی صبری این است که سر و صدا کنی، فریاد بکشی، ناله کنی، به صورتت بزنی، به سینه ات بکوبی، مویت را بکشی، کسی که نوحه سرایی کند، صبر را ترك کرده است و راه نادرستی را در پیش گرفته است و کسی که صبر کند و إنا لله و إنا إليه راجعون بخواند و سپاس پروردگار را بجای آورد، به درستی که به تقدیر خدا راضی شده و پاداش او در نزد خداوند محفوظ است. و کسی که چنین نکند باز هم آنچه قضا و قدر الهی باشد، بوقوع می پیوندد، گرچه او ناراضی باشد، در این صورت خداوند اجر و پاداشش را ضایع می کند^(۱).

و از امام صادق روایت است که فرمود: سه چیز است که نمی دانم کدامیک به اعتبار جرم و گناه بزرگتر است: کسی که هنگام مصیبت بر رانش میکوبد (که کنایه از بی صبری است اما با کمال تأسف امروز بعضی مردم به سر و سینه می زنند)^(۲).

() / .
() / .

خلوط بودن زن و مرد در
زیارتگاه ها

متأسفانه یکی از بزرگترین مفاسد اخلاقی در مزارها، جمع شدن ارازل و اوباش اعم از زن و مرد است که بسیار مشهور و طبیعی است. در چنین جاهایی با استفاده از فرصت، شیطان تلاش می کند هر چه بیشتر فضا را آلوده کند و به اعتراف خود مسئولین امروز مزارها بیش از هر جای دیگر محل قول و قرار ارازل و اوباش است. بویژه اینکه کلاه شرعی هم به نام ازدواج مؤقت یا صیغه وجود داشته باشد، و جالب اینکه در بعضی زیارتگاهها همین مجاوران عابدین نقش دلال را به عهده دارند و برای خودشان مشتری جلب می کنند.

چند پرسش احتمالی و پاسخ آن
بعضی ها که از گنبد و بارگاههای مدرن امروز دفاع میکنند
و به دلائل نامعلومی! آنرا وسیله ی نزدیکی بسوی الله میدانند،
روایات ذکر شده ای را که از ائمه اهل بیت نقل کردیم
تأویل های جور و اجور می کنند از جمله اینکه:
اول: قبور ائمه و انبیاء از روایات مذکور مستثنی
هستند.

پاسخ این است که در روایات مذکور بارها ذکر شده که
پیامبران و امامان صراحتاً از بلند کردن قبورشان منع
کردند، و حد آن را چهار انگشت تا يك وجب تعیین نمودند،

پس با توجه به این صراحت، چگونه می توان ادعا کرد که قبور پیامبران و امامان مستثنی است، بلکه قبور این بزرگواران بیش از قبور دیگران مورد نهی قرار گرفته است.

دوم: در بلند کردن قبور پیامبران و امامان و ساختن بنا بر آن مصلحت بزرگی است و آن اینکه قبرهای این بزرگواران همواره باقی خواهد ماند و از محو شدن و گم شدن آن جلوگیری خواهد شد.

پاسخ این است که این بهانه بی معنی است. هرگز کسی نمیتواند قطعا بگوید: که اگر بر روی قبری گنبد و بارگاه ساخته نشد نابود می شود، مثلاً قبرهای امام حسن و امام زین العابدین و امام باقر و امام صادق و غیره، با اینکه بیشتر از حد شرعی بلند نشده اند و دهها سال است که گنبد و ضریح هم ندارند، نه تنها گم نشده، بلکه همواره مسلمانان آنها را زیارت کرده و به آنها سلام می فرستند و برایشان دعا می کنند.

سوم: هماهنگ بودن مردم بر ساخت قبرهای ائمه و اینکه چون کسی با آن مخالفت نمیکند دلیل جایز بودن آن است.

پاسخ این است که از روایات خود ائمه روشن می شود که اولین بار توسط خود رسول گرامی و ائمه از بلند ساختن قبور جلوگیری شده است، بنابراین موضع مردم در این باره معتبر نیست، اولاً از کجا معلوم که همه مردم به این مزخرفات راضی باشند، اکثریت قاطع مردم مخالف چنین کارهای خلاف شرع و عقل هستند و درصد کمی هم که بر اثر کم سواد و یا بی سواد و موافق به نظر می رسند باید دانست که خاموشی آنان به علت ناآگاهی شان است و هرگز دلالت بر رضایت آنان نمی کند. چگونه ممکن است مردم به کار ناپسندی راضی شوند که رسول الله و ائمه اهل بیت از آن نهی کرده اند؟ حد اقل می توان گفت: که رأی عموم مردم در يك مسئله شرعی که در آن نص صریح وجود دارد معتبر نیست، و قول معتبر، اجماع علماء و اهل حل و عقد از جمله خود ائمه است که جز نهی صریح چیزی از آنان ثابت نیست.

چهارم: روایاتی که از ائمه در جلوگیری از ساختن و بلند کردن قبور آمده از روی تقیه بوده است.

پاسخ این است که اولاً: هیچکدام از علماء این روایات را حمل بر تقیه نکرده اند، بویژه اینکه بعضی از این روایات به عنوان وصیت از امام برای فرزنداناش آمده است که ممکن نیست امام فرزنداناش را به چیزی وصیت کند که خودش به آن معتقد نیست.

دوم اینکه شجاعت و صداقت اهل بیت بویژه ائمه مانع چنین احتمال باطلی است، زیرا آنان نیز مانند همه حق پرستان و رهبران و مصلحان تاریخ از اظهار حق هراسی نداشتند و گر نه نمی توانستند امام باشند، وانگهی چرا احتمال نمیدهیم که روایات جواز از روی تقیه باشد؟؟؟!!

یـنـجـم : روایاتی وجود دارد که ساختن و بلند کردن قبر و گنبد و ضریح را جایز می داند پس آن روایات مقدم است. پاسخ این است که روایات منع و جواز تقریباً مساوی است و بر فرض اگر روایات جواز بیشتر هم باشد اعتباری ندارد، چون دروغ گفتن که کاری ندارد، و دروغ پردازان در طول تاریخ کاری جز ضربه زدن به اسلام، آن هم از کانال دین

نداشته اند، پس بیشتر بودن روایات هرگز دلیل بر درست بودن آن نیست. سوم اینکه روایات نهی با روایات رسول گرامی و با روح قرآن کریم و شریعت محمدی هماهنگی دارد، اما خرافات هیچگونه سازگاری با دین ندارد. چهارم اینکه از نظر عقلی ساختن گنبد و بارگاه و ضریح، مخالف فطرت سلیم انسان است، چون هدف از روی آوردن به دین حنیف ابراهیم اعراض و روی گردانی از هر توجهی به غیر الله، روی آوردن بسوی الله است، پس وجود گنبد و بارگاه و ضریح با فلسفه دین سازگار نیست، زیرا که توجه انسان را از خالق و معبود حقیقی به سوی بندگان عاجز بر می گرداند، یعنی بر خلاف کاری است که پیامبر و قرآن باید انجام دهند. و آن عبارتست از: برگردان توجه انسانها به خداوند ﴿إِلَّاكَ نَعْبُدُ وَإِلَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾^(۱).

«خدایا تنها تو را می پرستیم، و تنها از تو کمک میخواهیم».

پیام صحابه هم به سرمداران روم و فارس و سایر قدرتها

همین بود که ما آمده ایم تا بندگان را از پرستش بندگان نجات بخشیم و به پرستش پروردگارشان هدایت کنیم.

«لنخرج العباد من عبادة العباد إلى عبادة رب العباد»^(۱).

و نکته مهم تر اینکه مفاسدی که از ساختن قبرها و گنبدها و بارگاهها و ضریحها پیدا می شود خود می رساند که وجود این اماکن به نفع اسلام و مسلمین نیست و اعتقاد را تضعیف میکند، ایمان را سست می کند، باعث پدید آمدن شرك و خرافات میگردد، مفاسد اخلاقی را رشد می دهد، نصرت و رحمت خداوند را به تأخیر می اندازد، به آبرو و حیثیت اسلام لطمه میزند، قوت و توانایی مسلمین را به ضعف مبدل می کند، غیر مسلمانان را از پذیرش اسلام منصرف می کند، و صدها مفاسد دیگری که در نتیجه ی وجود گنبدها و بارگاهها، و ضریح های بی شمار در جامعه ی اسلامی بوجود می آید.

در پایان باید عرض کنیم که قاعده ی: «درء المفاسد مقدم علی جلب المصالح» «جلو گیری از مفاسد بر جلب مصالح

مقدم است». پس اگر مدافعان گنبد و بارگاه و ضریح استدلال هم داشته باشند استدلال شان در برابر (علاوه از نصوص و احادیثی که ذکر کردیم) مفاسدی که از وجود این اماکن پدید می آید سست و بی پایه است.

خدایا! جامعه ی اسلامی ما را از وجود تمام موانع توحید و اسلام خالص، و دلهایان را از تمام کدورتها و زنگارهایی که چه بسا مانع وحدت امت اسلامی گردیده پاک گردان، و ما را يك امت قوی و توانا بگردان آمین.